

بیت‌المعمورین



دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه فقه و حقوق

عنوان:

رابطه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه از منظر اسلام

نگارش:

علیرضا حیدری زاد

استاد راهنما:

دکتر رضا نیکخواه

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

شهریور ۱۳۹۴

پاسکزاری

از محضراتید مضمی که طی این دوره تحصیل مریاری نموده اند مراتب امتنان را ابراز داشته و خصوصاً از محضراتاد بزرگوار

جناب آقای دکتر رضانیخواه که راهنمایی این پایان نامه را به عهده داشتند صمیمانه پاسکزارم.

تقدیم به:  
پدر بزرگوار و همسر کرامی ام

## چکیده

حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه دو شاخه مجزا از حقوق بین‌الملل عمومی هستند که گستره شمول متفاوتی را دربرمی‌گیرند، این دو نظام حقوقی دارای اشتراکاتی در عرصه اصول، هنجارها، مصادیق و اهداف می‌باشند. البته غایت نهایی آن دو حمایت از انسان و کرامت انسانی است. بعد از جنگ جهانی دوم نظام حقوق بین‌الملل شاهد تکامل‌هایی در عرصه حقوق بشر و توسعه قلمرو اجرایی قواعد حقوق بشری و تسری آن به مخاصمات مسلحانه بود که در پی آن اسناد متعددی مبنی بر لازم‌الرعایه بودن اصول حقوق بشری در جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه تصویب شد، ولی اینکه عملاً چه میزان از این قطع‌نامه‌ها و قواعد رعایت گشته و می‌گردند، محل تأمل می‌باشد و دولت‌ها در مقام عمل مخصوصاً در مخاصمات داخلی و شورش‌ها خود را تحت مسئولیت بین‌المللی برای رعایت حقوق بشر نمی‌دانند. در همین راستا دولت‌ها در پی تأسیس نهادی برآمدند که توانایی مجازات ناقضان حقوق بشر را داشته باشد، در سال‌های اخیر، عزم راسخ بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی بر این تعلق گرفت تا یک مرجع مستقل کیفری بین‌المللی در سطح جهان برای مبارزه با جرایم بین‌المللی و نقض حقوق بشر شکل گیرد که این تلاش‌ها به تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری لاهه انجامید. از سوی دیگر، در نظام حقوقی اسلام حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از هم تفکیک نشده‌اند و همواره در کنار هم سعی در حفظ کرامت انسانی دارند که دارای حیثیت الهی است و در همین راستا تفاوتی میان مخاصمات بین‌المللی و داخلی قائل نمی‌باشد و در عرصه بشردوستانه که عمدتاً در محیط مخاصمات مورد ملاحظه است و ایجاد محدودیت در اعمال خشونت دارای نگرشی است که متبلور از نگاه الهی به شخصیت انسانی است و در فضای خشن جنگ علاوه بر جان افراد و غیر نظامیان اموال و مالکیت آنها را نیز مورد توجه قرار داده و نکته قابل تأمل اینکه همه این قواعد و اصول حمایتی از کرامت انسانی سیزده قرن پیش از آنکه مفهوم کنونی حقوق بشر در عرصه حقوق بین‌الملل مطرح و ایجاد گردد در آموزه‌های حقوقی اسلام مطرح بوده و اعمال می‌گشته است.

**واژگان کلیدی:** حقوق بشر، حقوق بشردوستانه، حقوق بین‌الملل، اسلام

## فهرست

- فصل اول: کلیات تحقیق ..... ۱
- ۱-۱- مقدمه و بیان مسئله ..... ۲
- ۲-۱- سابقه و ضرورت تحقیق ..... ۳
- ۳-۱- پرسش‌های متداول ..... ۴
- ۴-۱- فرضیات تحقیق ..... ۴
- ۵-۱- اهداف تحقیق ..... ۴
- ۶-۱- روش تحقیق ..... ۴
- ۷-۱- ساختار تحقیق ..... ۵
- فصل دوم: مفاهیم و مبانی نظری حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ..... ۶
- ۱-۲- تعریف حق ..... ۷
- ۱-۱-۲- چیستی حق ..... ۷
- ۲-۱-۲- حق در ادبیات حقوق ..... ۸
- ۳-۱-۲- تعریف حق در نگرش اسلامی ..... ۹
- ۴-۱-۲- مفهوم حق ..... ۱۱
- ۵-۱-۲- ملازمه حق و تکلیف ..... ۱۶
- ۶-۱-۲- سلسله مراتب میان حق‌ها ..... ۲۲
- ۲-۲- حقوق بشر ..... ۲۷
- ۱-۲-۲- تقسیمات حق تحت حقوق بشر ..... ۲۸
- ۲-۲-۲- بیان اجمالی مصادیق حق‌ها در منشور حقوق بشر ..... ۲۸
- ۳-۲- حقوق بشردوستانه ..... ۳۰
- ۱-۳-۲- تعریف حقوق بشردوستانه - شرح موضوع ..... ۳۱
- ۲-۳-۲- حقوق بشردوستانه، منابع و اهداف ..... ۳۱
- ۴-۲- کرامت انسانی اصیل‌ترین مبنای حقوق بشر و بشردوستانه ..... ۳۳
- ۱-۴-۲- کانت و کرامت انسانی ..... ۳۴
- ۱-۱-۴-۲- استقلال اراده/ خودمختاری/ خودسامانی در نظریه کانت ..... ۳۵

- ۳۷-۲-۱-۴-۲- انسان، غایت و صاحب کرامت ..... ۳۷
- ۳۹-۲-۴-۲- توجه به کرامت انسانی در ادیان الهی ..... ۳۹
- ۴۱-۳-۴-۲- کرامت انسانی از منظر عرفان و انسان‌شناسی عارفانه ..... ۴۱
- ۴۴- فصل سوم: حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در نظام حقوق بین‌الملل ..... ۴۴
- ۴۵-۱-۳- چارچوب رفتاری در دو نظام ..... ۴۵
- ۴۵-۱-۱-۳- هنجارهای حقوق بشری ..... ۴۵
- ۴۶-۲-۱-۳- هنجارهای حقوق بشردوستانه صاحبان حق ..... ۴۶
- ۴۷-۳-۱-۳- معیارهای رفتاری در کنوانسیون‌های حقوق بشردوستانه ..... ۴۷
- ۵۰-۲-۳- تعاملات در دو نظام ..... ۵۰
- ۵۰-۱-۲-۳- بسترهای موجود برای تعامل ..... ۵۰
- ۵۲-۲-۲-۳- توسعه قلمرو حقوق بشردوستانه در پرتو آموزه‌های حقوق بشری ..... ۵۲
- ۵۳-۳-۲-۳- قابلیت اعمال هم‌زمان دو نظام ..... ۵۳
- ۵۴-۳-۳- اصول مشترک حقوق بشری و بشردوستانه ..... ۵۴
- ۵۶-۱-۳-۳- اصل تقابل ..... ۵۶
- ۵۷-۱-۱-۳-۳- اصل تقابل در تعهدات مربوط به حقوق بشر ..... ۵۷
- ۵۸-۲-۱-۳-۳- اصل تقابل در تعهدات حقوق بشردوستانه ..... ۵۸
- ۶۰-۲-۳-۳- ویژگی ارگامنس در تعهدات مربوط به حقوق بشر و بشردوستانه ..... ۶۰
- ۶۲-۳-۳-۳- اصل یا قید مارتنس ..... ۶۲
- ۶۴-۴-۳-۳- اصل مسئولیت حمایت ..... ۶۴
- ۶۷-۴-۳- مصادیق و اهداف مشترک ..... ۶۷
- ۶۷-۱-۴-۳- حمایت از کرامت انسانی هدف مشترک دو نظام ..... ۶۷
- ۶۸-۲-۴-۳- جرایم مشمول قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ..... ۶۸
- ۶۹-۱-۲-۴-۳- نسل‌کشی ..... ۶۹
- ۷۰-۲-۲-۴-۳- جرایم علیه بشریت ..... ۷۰
- ۷۱-۳-۲-۴-۳- جنایات جنگی ..... ۷۱
- ۷۲-۴-۲-۴-۳- شکنجه ..... ۷۲

|  |     |
|--|-----|
| فصل چهارم: حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در نظام حقوقی اسلام.....       | ۷۵  |
| ۱-۴- چارچوب نظامی حقوقی اسلام.....                                   | ۷۶  |
| ۱-۱-۴- ویژگی‌های نظام حقوقی اسلام.....                               | ۷۶  |
| ۲-۱-۴- تبارشناسی نظام حقوقی اسلامی.....                              | ۷۷  |
| ۳-۱-۴- کلیات حقوقی مستفاد از قرآن.....                               | ۷۸  |
| ۲-۴- حقوق بشر اسلامی.....  | ۸۰  |
| ۱-۲-۴- تفسیر نادرست از حقوق بشر در اسلام.....                        | ۸۰  |
| ۲-۲-۴- فرد مورد حمایت در آموزه‌های حقوق بشر اسلامی.....              | ۸۲  |
| ۳-۲-۴- حقوق طبیعی در اندیشه اسلامی.....                              | ۸۳  |
| ۳-۴- مفهوم حقوق بشردوستانه در اسلام.....                             | ۸۵  |
| ۱-۳-۴- مفهوم خاص سیره.....   | ۸۵  |
| ۲-۳-۴- مفهوم عام سیره.....   | ۸۵  |
| ۳-۳-۴- آموزه‌های انسان‌دوستانه اسلامی در زمان جنگ.....               | ۸۶  |
| ۴-۴- قلمرو اجرایی مشترک دو نظام در آموزه‌های اسلامی.....             | ۹۰  |
| ۱-۴-۴- جنگ و مفهوم حقوق بشر در اسلام.....                            | ۹۰  |
| ۲-۴-۴- مفهوم حقوق بشر زمان جنگ در قرآن.....                          | ۹۱  |
| ۳-۴-۴- حضرت محمد(ص) و تجلی حقوق بشر در جنگ.....                      | ۹۱  |
| ۴-۴-۴- خلفا و مسئله حقوق بشر در مخاصمات.....                         | ۹۲  |
| ۵-۴- مصادیق مشترک بین حقوق بشر و بشردوستانه در آموزه‌های اسلامی..... | ۹۳  |
| ۲-۱-۵-۴- انهدام دسته جمعی و سلب حق تسلیم.....                        | ۹۵  |
| ۲-۵-۴- اصل تقابل در آموزه‌های اسلامی.....                            | ۹۷  |
| نتیجه‌گیری.....  | ۱۰۰ |
| منابع و مأخذ.....  | ۱۰۲ |



# فصل اول:

## کلیات تحقیق

## ۱-۱- مقدمه و بیان مسئله

اگر نگوییم مهم‌ترین اما می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین مباحث روز مسئله حقوق بشر است که در عرصه بین‌المللی جایگاه خاصی پیدا کرده است. حقوق بشر مجموعه‌ای از امتیازات دارای مضمون و مفهوم والای انسانی است که انسان با صرف نظر از هر گونه وابستگی دینی، نژادی، جنسی، زبانی و مانند آن و حتی میزان قابلیت و صلاحیت فردی و بدون توجه به اوضاع و احوال متغیر اجتماعی از آن برخوردار است و به کرامت و احترام و شخصیت انسان ارتباط دارد و در طول آن حقوق بشردوستانه، مجموعه مقررات و قواعد حقوق بین‌الملل است که ضمن تعیین حقوق حمایت از افراد انسانی اعم از رزمنده یا غیررزمنده (غیرنظامی) و اموال غیرنظامی و حقوق طرف‌های متخاصم در مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی یا غیر بین‌المللی تکالیف افراد انسانی و طرف‌های متخاصم را نیز در آن مخاصمات مشخص می‌کند و هدف آن محدود کردن صدمات و لطمات ناشی از درگیری‌های مسلحانه و ممنوع کردن استفاده از برخی وسایل و شیوه‌های نبرد علیه رزمندگان (تحت شرایط خاص) و افراد غیرنظامی و نیز اهداف غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه است. موضوع ارتباط میان حقوق بشر و بشردوستانه و پیوندهای میان دو مجموعه از قواعد حقوقی پس از جنگ جهانی دوم و در پی تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ محور گفتگو بود، البته پس از آن اسناد دیگری در راستای تعامل هر چه بیشتر و اعمال هم‌زمان این دو نظام به تصویب رسید و نهایتاً هدف از ایجاد تعامل روزافزون میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه حمایت بیش از پیش از کرامت انسانی می‌باشد تا شاهد تکرار تجربه‌های تلخ جنایات بشری در جهان کنونی نباشیم.

امروزه شاهد حجم‌های شدید رسانه‌ای نظام امپریالیسم در جهت خشن و بی‌رحم نشان دادن چهره رحیم اسلام و اتهاماتی مبنی بر تروریستی بودن آموزه‌های اسلامی هستیم. با ایجاد گروه‌های افراطی خشن سعی در تأیید ادعاهای خویش دارند. اما با بررسی منابع اصیل اسلام

که شامل قرآن، سنت، عقل و اجتهاد می‌باشد درمی‌یابیم که قرن‌ها پیش از غرب در آموزه‌های اسلامی مسئله حقوق بشر مطرح بوده و اعمال می‌گشته است. با نگاه تاریخی به جنگ‌ها و مخاصمات زمان پیامبر اسلام به خوبی درمی‌یابیم که ایشان با تبیین آموزه‌های اسلامی همواره به حفظ کرامت انسان تأکید داشته و با نگرشی الهی به انسان، کرامت او را از جانب خداوند متعال دانسته و برای او حیثیت الهی و حقوقی از قبیل حق حیات، مالکیت، آزادی، امنیت و ... قائل می‌باشد.

تفکیک موجود در حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در نظام حقوق بین‌الملل، در اسلام وجود ندارد و این دو در نهایت تعامل اعمال می‌گردند، در حقوق بشردوستانه اسلامی تفاوتی میان مخاصمات بین‌المللی و داخلی و حتی شورش‌ها وجود ندارد و در همه حال رعایت اصول بشردوستانه و حقوق اساسی بشری الزامی است.

### ۱-۲- سابقه و ضرورت تحقیق

در موضوع مورد بحث، از نگرش اسلامی تحقیقات اندکی صورت گرفته و نهایتاً کتاب حقوق بشر و حقوق بشردوستانه دکتر ناصر قربان‌نیا به بررسی رابطه میان دو مجموعه حقوقی از منظر بین‌المللی و نظام حقوق بین‌الملل پرداخته است و البته مقاله‌ای تحت عنوان تعاملات حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به قلم علی ملکی نیز مشاهده گردید و مباحث مستقل در زمینه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، علامه جعفری، آیت الله جوادی آملی، دکتر محقق داماد، دکتر ضیایی بیگدلی نیز مورد مطالعه قرار گرفت.

به نظر می‌رسد امروز بیش از پیش به علت تبلیغات رسانه‌ای در جهت تروریست نشان دادن مسلمانان و تلقین خشونت به آموزه‌های اسلامی نیاز به تبیین مبانی اصیل حقوق بشری اسلام در عرصه علمی حقوق بشر می‌باشد تا جهانیان بدانند که اسلام تا چه حدی برای کرامت انسان اهمیت قائل است و با چه آموزه‌هایی سعی در خدشه‌دار نکردن حیثیت الهی انسان دارد.

### ۱-۳- پرسش‌های متداول

۱. آیا مبانی نظری اسلام با نظام حقوقی بین‌الملل در مسئله حقوق بشر یکسان است؟
۲. آیا در اسلام آموزه‌هایی در جهت تبیین حقوق بشر و بشردوستانه وجود دارد؟
۳. آیا نوع رابطه میان دو نظام در اسلام متفاوت با نظام حقوقی بین‌الملل است؟
۴. آیا در اسلام ضمانت‌های اجرایی جهت اعمال حقوق بشر موجود می‌باشد؟

### ۱-۴- فرضیات تحقیق

۱. مبانی نظری اسلام با نظام حقوقی بین‌الملل متفاوت می‌باشد.
۲. در اسلام آموزه‌های حقوقی جهت تبیین و اعمال حقوق بشر و بشردوستانه موجود می‌باشد.
۳. نوع رابطه میان دو نظام حقوق بشر و بشردوستانه در اسلام متفاوت با نظام حقوقی بین‌الملل است.
۴. در اسلام ضمانت‌های اجرایی جهت اعمال حقوق بشر موجود می‌باشد.

### ۱-۵- اهداف تحقیق

۱. تبیین مبانی نظری و پیشینه تاریخی حقوق بشر در اسلام.
۲. ارائه آموزه‌های غنی اسلامی در جهت اعمال حقوق بشر و بشردوستانه.
۳. تبیین نوع رابطه حقوق بشر و بشردوستانه در اسلام و نظام حقوق بین‌الملل و نوع تعامل آن دو.
۴. تبیین نظام حقوق بشری اسلام و میزان اهمیت آن به کرامت انسانی و مخالفت با خشونت.

### ۱-۶- روش تحقیق

در جمع‌آوری مطالب و منابع از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. همچنین در بخش مقالات از سایت‌های نورمگز، مگ‌ایران و نیز انسانی استفاده شده است و در بحث مبانی اسلامی به جهت سهولت دسترسی از نرم افزارهای جامع الاحادیث و جامع فقهی نیز استفاده شده است.

## ۱-۷- ساختار تحقیق

با توجه به موضوع تحقیق ابتدا بر آن شدیم تا مسئله حق و مسایل پیرامون آن را بررسی نماییم سپس به تعریف و تبیین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و نیز مبانی آن در نگرش‌های اسلامی و بین‌المللی پرداخته‌ایم. پس از آن به بررسی رابطه میان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در نظام حقوقی بین‌الملل پرداخته‌ایم و نهایتاً به تبیین نظام حقوق بشر و بشردوستانه در آموزه‌های حقوقی اسلام پرداخته و رابطه میان دو مجموعه حقوقی مذکور، از منظر اسلام را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

## فصل دوم:

# مفاهیم و مبانی نظری حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

## ۲-۱- تعریف حق

یکی از مسائلی که در میان فقها و حقوقدانان به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مسئله حق می‌باشد. به همین منظور به بررسی مفهوم، ماهیت، مصادیق و اینکه حق با چه مفاهیم دیگری در الزام است و اینکه بر اساس چه تعریفی چه بازخوردی به همراه می‌آورد، لازم است، قبل از این عمل، به بررسی مقوله حق بپردازیم.

حقوق یکی از واژه‌هایی است که دارای بار معنایی متنوع و سنگین است و از جهات علمی و فلسفی همواره مورد بحث و توجه قرار داشته است. در زبان انگلیسی Law به معنای مجموع مقرراتی که در زمان معین بر جامعه‌ای حکومت می‌کند و هدف آن فعلیت بخشیدن به نظم و عدالت است یک معنا از حقوق است که قابلیت جمع بسته شدن را داراست. مانند حقوق ایران، حقوق بشر، حقوق مدنی و امثال آن.

در مقابل، Right به این صورت تبیین می‌شود: برای اینکه حقوق به هدف معنایی خود، یعنی استقرار عدالت در روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع برسد، ناچار باید برای مردم امتیازاتی در برابر دیگران بشناسد و با ایجاد تکلیف برای گروه دوم، توانایی خاصی به آنان اعمال کند. این امتیاز و توانایی را که حقوق هر جامعه منظم، برای اعضای خود به وجود می‌آورد حق می‌نامند که جمع آن نیز حقوق می‌باشد. مانند حق حیات، حق مالکیت، حق زوجیت و مانند اینها. حق به این معنا از سنخ توان، اختیار و سلطه است و صاحب حق از نوعی نفع، قدرت و توانایی برخوردار است.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۱- چیستی حق

حق چیست؟ پرسش به ظاهر ساده است، ولی نیازمند تحلیلی عمیق است. این پرسش یک رشته پرسش‌های دیگر را به دنبال می‌آورد. حقوق چیست؟ اگر از یک انسان عادی در کوچه و خیابان پرسیده شود حق دقیقاً چیست؟ احتمالاً نخواهد توانست جواب روشنی بدهد. ممکن است بداند پایمال کردن حقوق دیگران یعنی چه؟ یا معنای این کار چیست؟ که دیگران حق را

۱. دکتر ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ۱۳

نسبت به فلان چیز انکار کنند یا نادیده بگیرند، ولی نمی‌داند خود این چیزی که مورد تجاوز قرار می‌گیرد یا انکار می‌شود دقیقاً چیست؟ آیا چیزی است که افراد در لحظه تولد کسب می‌کنند یا به ارث می‌برند؟ آیا چیزی که روی افراد مهر می‌خورد آیا ویژگی ذاتی انسان است؟ آیا حقوق را ممکن است اعطا کرد؟ و سؤالات بسیار دیگری از این قبیل.

## ۲-۱-۲- حق در ادبیات حقوق

در گذشته دور، اندیشمندان مسائل اخلاقی، سیاسی، حقوق را در چارچوب حق بررسی نمی‌کردند. آنان توجه بیشتر خود را به وظایفی معطوف می‌کردند که شخص در برابر ارباب، پادشاه، کلیسا، خداوند بر عهده داشت. تحولات قرن هفدهم و هجدهم اروپا موجب تغییرات جدی و عمیق در ساختار حقوق گردید و دانایان حقوق، حق و حق داشتن «To have Right» را به عنوان پایه قواعد حقوق بررسی و تحلیل می‌کردند. با تغییر این نگرش، دولت متعهد و مکلف به رعایت و محافظت از حقوق مردم گردید.<sup>۱</sup>

حال آنکه نگرش مذکور و ایجاد تعهد حکومت نسبت به حقوق مردم از همان اوایل حکومت اسلامی مورد تأیید و تأکید اسلام بوده و در این راستا حقوق مذکور را در ۱۴۰۰ سال پیش تبیین نموده است و به دلیل تفاوت در مبانی نظام حقوقی غرب و نظام حقوقی اسلام، تفاوت‌هایی در تعریف و ماهیت حق در دو نگرش غربی و اسلامی وجود دارد.

بحث تحلیل پیرامون این موضوع و تشخیص و تفکیک وجوه گوناگون آن در نظام حقوقی غرب، وام‌دار تلاش‌های موشکافانه و نکته‌اندیشانه فیلسوفان و نظریه‌پردازان سده بیستم است. طی این سده موضوع کلی حق، زیرشاخه‌های گوناگونی پیدا کرده که هر کدام در نتیجه توجه به یکی از وجوه مرتبط به موضوع مذکور به وجود آمده است.<sup>۲</sup>

حق را به گونه‌های مختلفی تعریف نموده‌اند. برخی آن را امری اعتباری دانسته‌اند که برحسب آن شخص یا گروه خاصی قدرت قانونی پیدا می‌کنند که نوعی تصرف خارجی یا اعتباری در شیء یا شخص دیگری انجام دهد و لازمه آن امتیاز برای ذی‌حق بر دیگران است.<sup>۳</sup> پاره‌ای حق را امتیاز و نفعی می‌دانند متعلق به شخص و حقوق هر کشور که در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن

۱. I Benn slenely: Rights in encyclopedia of philosophy. Vol 7. P:197 به نقل از قربان‌نیا

۲. ر.ک. دکتر محمد راسخ، حق و مصلحت، ۱۵۱

۳. ر.ک. دفتر همکاری‌های حوزه و دانشگاه: درآمدی بر حقوق اسلام، ج ۱، ۴۴



را می‌دهد.<sup>۱</sup> عده‌ای نیز گفته‌اند که حق امر اعتباری و انتزاعی است. به این معنا که ما به‌ازای خارجی ندارد. لذا نمیتوان تعریفی حقیقی از آن تحت حد و رسم منطقی که درباره ماهیات دارای جنس و فصل هستند انجام داد. و هر مفهومی در این تعریف به منزله فصل است.<sup>۲</sup>

## ۲-۱-۳- تعریف حق در نگرش اسلامی

راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن کریم حق را در اصل به معنای مطابقت و موافقت دانسته است.<sup>۳</sup> خداوند که اشیاء را به مقتضای حکمت می‌آفریند، حق نامیده شده است و قول و فعل یا اعتقادی که مطابق با واقع باشد، حق است. اما به نظر می‌رسد می‌توان مطابق و موافق بودن با واقع را شرط ثانوی حق دانست. معنای اصلی حق، امر ثابت است.<sup>۴</sup>

بیضاوی در تفسیر خود می‌گوید: خدا را حق می‌نامند، چرا که ربوبیت و الهیت او ثابت است و ثبوت و دیگر اشیاء نیز به وسعت اوست و - به تحقق اشیاء - و از این روست که حق را معمولاً به موجود ثابت تعریف کرده‌اند - و هو الموجود الثابت.<sup>۵</sup>

در کلام فقها تعاریف متعددی از حق وجود دارد. اینکه حق را به منزله سلطنت پنداشته و تمام توجه خود را به جداسازی حق از حکم معطوف داشته‌اند و تلاش کرده‌اند که حق را به نحوی تعریف کنند که مرز روشنی با حکم داشته باشد.

### اول. تعریف حق به سلطنت فعلیه

آنکه برخی حق را به نوعی سلطنت فعلیه بر شیء یا بر شخص تعریف نموده‌اند. تصور آن قائم است بر فرض وجود دو طرف، یکی صاحب حق که از آن منتفع می‌گردد و دیگری آن که حق بر ذمه اوست.<sup>۶</sup> پاره‌ای دیگر چنین نگاه داشته‌اند که حق سلطنت اعتبار شده برای انسان بر غیر است، اعم از مال یا شخص یا هر دو.

بحرالعلوم در بیان تمایز میان حکم و حق برآمده، حکم را چون مجعول از جانب شارع مقدس است، غیرقابل اسقاط دانسته و حق را اگرچه سلطنتی مجعول نامیده است اما آن در دست صاحب حق است و اوست که قدرت اعمال و اسقاط دارد.<sup>۷</sup>

۱. ر.ک. دکتر ناصر کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، ۲

۲. ر.ک. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر (اسراء، ۱۳۷۵)، ۷۴-۷۵

۳. ر.ک. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ماده حق

۴. ر.ک. ناصر قربان‌نیا، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، ۳۰

۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۳، ص ۱۱۲

۶. ر.ک. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، حاشیه المکاسب، ۵۵

۷. ر.ک. سید محمد بحرالعلوم، کتاب بلغة الفقہیہ ص ۱۱

تعریف حق به سلطنت اعتبار شده دارای اشکالاتی است. اولاً حق نوعی سلطنت نیست، بلکه سلطنت از آثار حق به شمار می‌رود. ثانیاً گاه سلطنت وجود دارد بدون اینکه شخص صاحب سلطنت حق داشته باشد، مثلاً شخص بر نفس خود سلطنت دارد و می‌تواند پاره‌ای تصرفات را که قانون منع نکرده است در آن انجام دهد. اما نسبت به خود صاحب حق تلقی نمی‌شود.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر در حق نوعی دوگانگی در صاحب حق و موضوع حق ضروری است که این دوگانگی در سلطنت بر نفس وجود ندارد. گذشته از این دو اشکال، این تعریف حق‌های طبیعی بشری را که نه نیازمند جعل و اعتبار است و نه قابلیت اسقاط را دارد دربر نمی‌گیرد.

### دوم: حق به منزله ملکیت ضعیف

تعریف دیگری از حق در نزد فقها وجود دارد که حق را به منزله ملک شمرده‌اند. حق در نگاه این دسته از فقیهان مرتبه ضعیفی از ملک و نوعی از ملک بوده و صاحب حق بر شیء مالک آن شیء تلقی گردیده و امر آن شیء به دست اوست. متعلق حق در این معنا ممکن است عین باشد. مانند حق رهن و حق تحجیر و ممکن است غیر عین باشد. مانند حق قصاص و حق حضانت که متعلق آن شخص است.

مرحوم نایینی از فقیهانی است که حق را مرتبه ضعیفی از مالکیت معرفی کرده که قوام آن به دو طرف است: صاحب حق و عهده‌دار ادای حق.<sup>۲</sup> بر این تعریف نیز اشکال وارد شده است که حق نمی‌تواند نوعی از ملک باشد. حق اعتباری در کنار مالکیت است. دلیل این ادعا علاوه بر فهم عرف، آن است که در مواردی حق وجود دارد، بدون اینکه بتوان از ملک سخن گفت. همچون حق تحجیر که شخص دارنده آن از حق برخوردار است ولی مالک نیست.

افزون بر اینکه تصور شدت و ضعف در ملک ممکن نیست، ملکیت یک امر اعتباری بسیط است.<sup>۳</sup> البته می‌توان این اشکال را چنین پاسخ گفت که مراد آن است که ملک و حق هر دو از سنخ سلطنت‌اند. با این تفاوت که ملک سلطنت قوی است و حق سلطنت ضعیف. ولی روشن است که با این توجیه، این تعریف به تعریف نخست باز خواهد گشت.

### سوم: حق به منزله اعتبار خاص

۱. ر.ک. السید روح الله موسوی الخمینی: کتاب بیع، ج ۱، ۲۲

۲. ر.ک. محمدتقی آملی: کتاب المکاسب و البیع (تقریر بحث نایینی)، ج ۱، ۹۱

۳. ر.ک. روح الله الموسوی الخمینی: پیشین، ۲۲

این دیدگاه حق را به عنوان یک نهاد اعتبار خاص معرفی کرده آن ملک و سلطنت را جدا می‌انگارد. صاحبان این دیدگاه، نفس حق را سلطنت نمی‌دانند، بلکه سلطنت را آثار حق می‌شمارند. حق را اعتبار خاصی قلمداد می‌کنند که دارای آثار ویژه‌ای است.

نهایتاً اگر بخواهیم تعریف دقیقی از حق ارائه دهیم باید بگوییم که حق عبارت است از سلطه، اختیار، امتیاز و توانایی که در جامعه معینی برای یک انسان در برابر اشیاء یا یک انسان در برابر انسان‌های دیگر به رسمیت شناخته می‌شود. حق انسان در برابر انسان‌های دیگر مانند حق بستانکار در برابر بدهکار، حق زن و شوهر در برابر یکدیگر، حق پدر و مادر در برابر فرزندان، حق آزادی افراد در برابر دولت، حق اشتغال، مسکن و تأمین اجتماعی و حق افراد در برابر اشیاء مانند حق مالک بر خانه‌ای که آن را خریده است و حق مستأجر برای استفاده از خانه‌ای که آن را اجاره کرده است.

وقتی از حق مالکیت سخن می‌گوییم مراد ما امتیازی است که کسی در مورد مال معینی دارد و دیگران آن امتیاز را دارا نیستند. از میان همه مردم تنها صاحب خانه است که می‌تواند هرگونه که می‌خواهد تصرف کند، حتی خراب کند یا انتقال دهد. در این معنا حق، گستره بسیار وسیعی پیدا می‌کند که شامل اختیار رد و قبول، امتیاز عمل و خودداری از عمل نیز می‌شود. بدینسان وقتی از حق فرد برای انجام معامله یا امتناع از آن، حق طلاق برای شوهر یا زن، حق قاضی در بازپرسی از متهم، حق اداره و کنترل رسانه‌های عمومی خبری برای دولت یا حتی نظارت در انتخابات برای شورای نگهبان، حق احراز تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی برای شورای امنیت سازمان ملل متحد سخن می‌رود و تصویری از امتیاز و اختیار در ذهن انسان نقش می‌بندد. این تعریف را از آن رو کاملاً دقیق نمی‌دانیم که نمی‌تواند تمامی حق‌های بشری بی‌نیاز از جعل و اعتبار و غیرقابل سلب و نقل و انتقال را شامل گردد!

## ۲-۱-۴- مفهوم حق

در تعریف کلی وقتی از حق داشتن سخن می‌گوییم به آن معناست که دارنده حق در وضعیت ویژه‌ای قرار گرفته است. برای مثال وقتی قانون کشوری فردی را محق می‌شناسد، این بدان معناست که نظام حقوقی کشور، آن فرد را در موقعیت ویژه‌ای قرار داده است. اما تأثیر این حمایت و قرار دادن شخص در وضعیت ویژه به چه معناست؟

در آغاز سده بیستم متفکرانی چون هوفلد<sup>۱</sup> آمریکایی توجه خود را به مفهوم حق معطوف داشتند و با تیزبینی بر این نکته متفطن گشتند که وقتی از حق سخن می‌گوییم، در تمامی موارد یک معنا را مراد نمی‌کنیم. هنگامی که در دادگاه‌ها یا مجالس قانون‌گذاری یا مراکز آموزش حقوق یا بالاخره در زندگی روزمره به حق طلب دین توسل می‌جوئیم چیزی به غیر از تمسک به حق آزادی بیان در قلمروهای یاد شده است. در نمونه نخست معنای ادعا نهفته است، حال آنکه نمونه دوم بر معنای آزادی دلالت می‌کند. از هر دو به عنوان حق یاد می‌کنیم. اما وقتی به طرف‌های درگیر در رابطه مذکور موضوع حق و شیوه توزیع استحقاق و تکلیف توجه کرده و متأملانه بر نوع ارتباط و جهت‌گیری توزیع امتیازات و مسئولیت‌ها می‌نگریم گویی با هویت‌هایی کاملاً متفاوت سر و کار داریم.<sup>۲</sup>

بدین ترتیب تحت عنوان حق، چهار گونه ارتباط متقابل و متلازم قابل تصور است. به عبارت دیگر واژه حق در چهار قلمرو مختلف حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرد: مطالبه، آزادی، قدرت یا اختیار و مصونیت که تنها در یک شکل آن حق در برابر تکلیف قرار می‌گیرد. این شکل مبین رابطه حقوقی است که در آن یک طرف می‌تواند طرف دیگر را از طریق قانون به رعایت حق خود مجبور کند.

چهار رابطه حقوقی یا چهار معنا و مصداق حق از نظر هوفلد عبارتند از:

۱. حق ادعا<sup>۳</sup>

۲. حق - آزادی<sup>۴</sup>

۳. حق - قدرت<sup>۵</sup>

۴. حق - مصونیت<sup>۶</sup>

حق ادعا که حق به معنای خاص است. متقابل و متلازم با تکلیف است و همواره با وظیفه طرف مقابل همراه است. بدین معنا که در این معنای حق یک رابطه دو جانبه میان دو شخص وجود دارد که در این رابطه یکی محق و دیگری مکلف است. در رابطه‌ای که بر پایه قرارداد قرض بین داین و مدیون برقرار می‌شود، یک طرف محق و طرف دیگر مکلف به پرداخت می‌شود. در این رابطه حقوقی داین حق دارد طلب خود را از مدیون مطالبه نماید و اگر مدیون

---

۱. Hohfeld

۲. ر.ک. جرمی والدرون: فلسفه حق، ترجمه دکتر محمد راسخ، پیشگفتار مترجم، ۹۴

۳. Claim-Right

۴. Liberty- Right

۵. Power- Right

۶. Immunity- Right